

رضا ضیاء

# در حاشیه دیوان حافظ خرمشاهی و جاوید

۹۰-۸۳

**چکیده:** نویسنده در نوشتار حاضر، کتاب قرائت‌گزینی انتقادی دیوان حافظ به کوشش بهاء الدین خرمشاهی و هاشم جاوید را در بوته نقد و بررسی قرار داده است. نویسندگان این کتاب در مقدمه، ابتدا شش تصحیح علمی انتقادی دیوان حافظ را معرفی کرده‌اند که بدین شرح‌اند: ۱. عیوضی و بهروز، ۲. خائلری، ۳. نیساری، ۴. جلال نایینی و نورانی وصال، ۵. سایه، ۶. نسخه خلخالی با تصحیح خرمشاهی. این دو، دیوان مصحح قزوینی را در متن قرار داده و اختلاف روایت‌های نسخ شش‌گانه مزبور با آن را در پانویس ذکر کرده‌اند. البته همان‌گونه که گفته‌اند در مواردی که ضبط‌های قزوینی را غلط می‌دانسته‌اند، ضبط یکی از شش نسخه مشورتی را در متن قرار داده و درباره جرایب این گزینش و جایجایی نیز در همان جا توضیح داده‌اند. نگارنده این سطور، به ارائه چندین اشکال روشی کلی و جزئی در کتاب، اقدام کرده است.

**کلیدواژه:** دیوان حافظ، حافظ پژوهی، تصحیح‌های حافظ، بهاء الدین خرمشاهی، هاشم جاوید.

— On the Sidelines of Khorramshāhi and Jāvīd's

*Dīvān-e Hafiz*

By: Rezā Ziā

**Abstract:** In this article, the author is going to study and examine *Qerāatgozīni-e Intiqādi-e Dīvān-e Hafiz* by Bahāoddīn Khorramshāhi and Hāshim Jāvīd. In the introduction of the book, the authors first of all introduce six scientific critical corrections of Hafiz's *Dīvān* which are as follows: 1. Eivazi and Behrooz, 2. Khānlari, 3. Neisāri, 4. Jalāl Nāiini and noorāni Visāl, 5. Sāye, 6. Khalkhāli version corrected by Khorramshāhi. Then they chose Qazvīni's version of Hafiz's *Dīvān* as the main text; and write the differences which are found among the six mentioned copies in the footnote. Of course, as they said, in cases where Qazvini recordings were considered to be wrong, they replaced it with one of the other six versions and explained the reasons for their selection and replacement as well. The author of this paper is going to point out some of the general and minor methodological problems of the book.

**Key words:** Hafiz's *Dīvān*, studying Hafiz, corrected versions of Hafiz's *Dīvān*, Bahāoddīn Khorramshāhi, Hāshim Jāvīd.

— ملاحظات عن دیوان حافظ بتحقیق خرمشاهی و جاوید

رضا ضیاء

یتناول الكاتب في المقال الحالي بالنقد والتقييم كتاب قرائت انتقادی دیوان حافظ (= قراءة نقدية منتخبة لديوان حافظ) من تأليف بهاء الدين خرمشاهی وهاشم جاوید.

يذكر المؤلفان في مقدمة تحقيقهما للديوان تعريفاً بسيطاً من التصحيحات العلمية النقدية لديوان حافظ، وهي تصحيحات السادة: ۱ - عیوضی و بهروز، ۲ - خائلری، ۳ - نیساری، ۴ - جلال نایینی و نورانی وصال، ۵ - سایه، ۶ - نسخه الخخالی بتصحيح الخرمشاهی.

اعتمد المصححان ديوان المصحح القزويني أساساً لعمليهما، وأشارا إلى موارد اختلافه مع روايات النسخ الستة في هوامش كتابهما، إلا أنهما ذكرا أنهما قاما في الموارد التي رأوا فيها اشتباه القزويني في الضبط باختيار ضبط إحدى النسخ الستة الاستشارية في النص مع الإشارة في الهامش إلى سبب هذا الاختيار والاستبدال أيضاً.

أما المقال الحالي فيقدم كاتبه قراءة نقدية لهذا الكتاب، مشيراً إلى بعض الإشكالات في منهجه العام وفي بعض النقاط التفصيلية.

المفردات الأساسية: ديوان حافظ، دراسات حافظ، تصحيحات حافظ، بهاء الدين خرمشاهی، هاشم جاوید.

# در حاشیه دیوان حافظ خرمشاهی و جاوید

رضا ضیاء

در مقدمه کتاب جاوید و خرمشاهی ابتدا شش تصحیح «علمی انتقادی» دیوان حافظ را معرفی کرده‌اند:

دیوان حافظ (بر اساس تصحیح شادروانان قزوینی، غنی و مقابله با نسخه‌های استادان خانلری، جلالی نایینی، نورانی وصال، نیساری، عیوضی، بهروز، سایه، خلخالی)؛ قرائت‌گزینی انتقادی به کوشش بهاء‌الدین خرمشاهی؛ هاشم جاوید، چاپ دوم، تهران: نشرفرزان روز، ۱۳۸۸.

۱. عیوضی و بهروز (با نشان «عب») ۲. خانلری (با نشان «خا») ۳. نیساری (با نشان «نی») ۴. جلالی نایینی و نورانی وصال (با نشان «جلان») ۵. سایه (با نشان «سا») ۶. نسخه خلخالی با تصحیح خرمشاهی (با نشان «ل»).

این دو بزرگوار در ادامه، دیوان مصحح قزوینی را در متن قرار داده و اختلاف روایت‌های نسخ شش‌گانه مزبور با آن را در پانویس ذکر کرده‌اند. البته همان‌گونه که گفته‌اند در مواردی که ضبط‌های قزوینی را غلط می‌دانسته‌اند، ضبط یکی از شش نسخه مشورتی را در متن قرار داده و درباره چرایی این‌گزینش و جابجایی نیز در همان جا توضیح داده‌اند.

این کار که یکی از امور لازم در عالم حافظ‌پژوهی بود، البته گاه کاستی‌هایی نیز دارد. نگارنده به این کتاب چند اشکال روشی کلی و جزئی دارد و می‌پندارد رفع این موارد در چاپ‌های بعد، می‌تواند آن را به یکی از پرتیراژترین دیوان‌های حافظ تبدیل کند. به این ترتیب که با وجود این کتاب، مخاطب تا حدود زیادی از مراجعه به دیگر تصحیح‌های برتر حافظ بی‌نیاز گردد.

ملاحظات ما بر این کتاب در دو بخش کلی و جزئی است:

## کلیات

### تصحیح جلالی نایینی و نورانی وصال

با وجود آنکه با مصححان هم‌رأیم که تصحیح مرحومان جلالی و وصال یکی از تصحیح‌های علمی و معتبر دیوان حافظ است، ولی می‌پندارم باز هم این تصحیح را نمی‌توان در ردیف «پنج تصحیح برتر» دیوان خواجه دانست؛ چراکه همان‌طور که مصححان دیوان اخیر توضیح داده‌اند، با وجود آنکه در مجموع به ۲۵ نسخه (اعم از خطی و چاپی) مراجعه شده، ولی تصحیح این دو بزرگوار بیشتر مبتنی بر روایت دو نسخه خطی حافظ (مورخ ۸۱۳ و ۸۲۴) است و مصححان حتی الامکان کوشیده‌اند روای صادق آن دو نسخه باشند و «چنانچه دو نسخه مذکور فاقد غزلی یا بیتی بود یا ضبط نخستین ق و ن [۸۲۲ و ۸۲۷] اصح به نظر می‌رسید و به طرز و سبک حافظ نزدیک ترمی نمود، از دو نسخه اخیر نیز در متن استفاده شده است»<sup>۱</sup>. به هر روی اکتفای جلالی / وصال به نسخ دوگانه (و حداکثر چهارگانه) مزبور، کار آنان را تا حدودی از یک تصحیح علمی انتقادی در حد سایر تصحیح‌های دیگر دیوان حافظ دور انداخته است و نبودنش آسیبی به کلیت کتاب جاوید / خرمشاهی نمی‌زند.

### نسخه خلخالی

بنا به همین دلایلی که در بالا ذکر شد، با آوردن روایت جناب خرمشاهی از نسخه خلخالی که آن نیز به

۱. مقدمه چاپ نایینی و وصال، ص ۳۵.

فراهم آورندگان کتاب مانحن فیه در مقدمه پس از اشاره به چاپ اول عیوضی، از تصحیح بعدی او (در سال ۷۶، نشر صدوق) نیز خبر داده و نوشته‌اند چون کتاب اخیر «دیر به دست ما رسید، نتوانستیم آن را به جای چاپ قبلی، یعنی تصحیح مشترک ایشان با دکتر بهروز، جزء متون مشورتی قرار دهیم» (ص یازده مقدمه) و متأسفانه در چاپ دوم کتاب که سه سال پس از آخرین تصحیح مرحوم عیوضی (در سال ۸۵) عرضه شده، باز هم به همان چاپ نخستین قناعت کرده‌اند.

طبیعی است که روش و انصاف علمی اقتضا می‌کرد برای استناد به چاپ عیوضی (و نیز دیگران) به آخرین تغییرات و جدیدترین نظرات مصححان پرداخته می‌شد، (همان‌گونه که درباره تصحیح دکتر خانلری انجام شده است)؛ چه اگر کسی از رهگذر این کتاب با چاپ عیوضی آشنا شود، کار او را تصحیحی پیش پا افتاده تصور خواهد نمود.

### نیساری

دکتر نیساری نیز در بیش از سه نوبت تصحیح دیوان حافظ، در کار خود تجدیدنظری‌هایی کرده‌اند. (البته تجدیدنظری‌های نیساری به میزان عیوضی نیست) در این کتاب، مستند جاوید و خرمشاهی برای تصحیح نیساری، «دفتر دگرسانی‌ها در غزل حافظ» بوده (که البته به همه تغییرات همین چاپ نسبت به قبلی‌ها نیز پرداخته نشده است). اشکال این کار آن است که دکتر نیساری به دلایلی شخصی و غیر معلوم در این کتاب تنها ۴۲۴ غزل خواجه را روایت کرده و از مابقی به عنوان غیراصیل و... گذشته‌اند.<sup>۶</sup> باز هم انصاف و روش علمی حکم می‌کرد که برای استناد به چاپ نیساری از آخرین ورژن تصحیح ایشان که در سال ۱۳۸۷ توسط انتشارات سخن انجام شده بهره می‌بردند. با اعمال این نکته مواضع متعددی از کتاب ایشان پیرامون روایت نیساری تغییر می‌کرد. از جمله بسیاری از غزل‌هایی که در «دفتر دگرسانی‌ها» حذف شده و جاوید و خرمشاهی در دیوان حکم به نبودنش در روایت نیساری داده‌اند تغییر می‌کرد و مخاطب تصور دقیق‌تری از تصحیح نیساری می‌یافت.

### اشکال در جزئیات

#### عدم روایت دقیق نسخ مشورتی شش‌گانه

رسالت اصلی این کتاب آن بوده که حامل روایت دقیق شش نسخه

۶. «پس از بررسی پیوست غزل‌ها به نظر رسید که معیارهای نیساری برای جداکردن برخی غزل‌هایی وزن کوتاه و گاه دوری و تند و رقص انگیز، دیگری ملمع‌بودن شعر یا جمع هر دو حالت بوده است». (بررسی و نقد هفت تصحیح دیوان حافظ، ص ۷۷)

همراه مقایسه نسخه خلخال با دو نسخه پنجاب و بادلیان است، مخالفم. نیز بنده هیچ‌گاه با استاد ارجمند جناب خرمشاهی و دیگر استادانی که نسخه خلخال را جزء دو سه نسخه اصلی و حیاتی حافظ می‌دانند هم عقیده نبوده‌ام و به موارد متعدد از اشتباهات فاحش نسخه خلخال برخورده‌ام<sup>۲</sup> و فکر می‌کنم ضبط‌های فاسد این نسخه که توسط چاپ مرحوم قزوینی به حافظه حافظ پژوهان نشت کرده، باعث ایجاد انحرافات در جریان حافظ پژوهی ما شده و اتفاقاً با استنادی چون ریاحی و نیساری و نیز مرحوم عیوضی موافقت عقیده دارم که ضبط‌های منفرد نسخه خلخال را محل اعتنا نمی‌دانستند و راز موفقیت تصحیح ایشان را نیز همین فاصله گرفتن از عادت‌های ذهنی و اعتیاد کاذب به نسخه خلخال (و به تبع آن قزوینی) می‌دانم:

... در نوشته‌های بعضی از پژوهندگان دیوان حافظ در مورد صحت و برتری قرائت‌های مندرج در هر کدام از سه نسخه یح (۸۱۳)، طو (۸۲۲) و خ (۸۲۷) نیز نظریه‌ای مبالغه‌آمیز ابراز شده است.<sup>۳</sup>

### تصحیح عیوضی

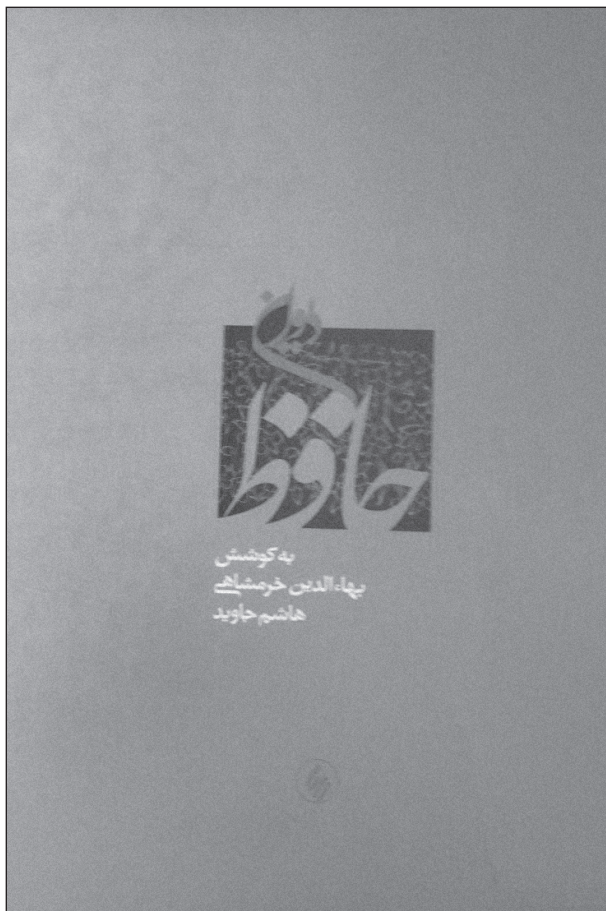
مرحوم عیوضی دست‌کم سه مرتبه دیوان حافظ را تصحیح کرد. چاپ اول که به همراه اکبر بهروز انجام شد، تصحیحی ضعیف و غیر قابل اعتنا بود. نگارنده در جای دیگری<sup>۴</sup> مفصلاً به این نکته پرداخته و گفته‌ام که یکی از دلایل عدم اقبال حافظ پژوهان به چاپ عیوضی همان تصحیح ضعیف اولیه بود که تا حدودی باعث شد کسی کارهای خوب بعدی او را هم جدی نگیرد، ولی عیوضی پس از آن دو بار دیگر دیوان حافظ را به تنهایی و با تجدیدنظری‌های اساسی به چاپ رساند که سومین ویراست در سال ۱۳۸۵ انجام شد. این بنده پس از تأملات فراوان تصحیح اخیر را معتبرترین تصحیح دیوان خواجه می‌دانم و با مرحوم استاد مرتضوی هم‌رأی است که «هنوز بسیاری از دوستداران حافظ به حکم عادت دیرین از نسخه مصحح مرحوم قزوینی برای حافظ خواندن استفاده می‌کنند، ولی پژوهشگران و اهل تحقیق طبعاً به چاپ خانلری و عیوضی به تدریج خوگر می‌شوند».<sup>۵</sup>

۲. امید دارم در مقاله جداگانه‌ای به این موارد بپردازم. هر چند پیش‌تر، استاد جناب جمشید مظاهری در مقاله «گزارش حق حافظ خلخال» (نشر دانش، سال پنزدهم، شماره سوم) به بعضی از این موارد پرداخته‌اند.

۳. مقدمه حافظ مصحح نیساری، ص ۱۴.

۴. بخاری ۱۰۳ (آذر و دی ۱۳۹۳)، اوراق پریشان ۱، ص ۴۵۵ - ۴۵۷. نیز مقاله‌ای مفصل و جداگانه درباره حافظ عیوضی در یادنامه دکتر رشید عیوضی که به کوشش جناب محمد طاهری خسروشاهی و توسط نشر ادبیات منتشر شده است.

۵. مکتب حافظ، ص ۴۶۵.



حافظ کمال آدمی را در عشق می‌داند و عاشقی را هنرمی‌نامد: بکوش خواجه و از عشق بی‌نصیب مباش / که بنده را نخرد کس به عیب بی‌هنری. بیت زیر نیز که جز اختلاف بیان فرقی با مفهوم بیت مورد بحث ندارد خود بهترین مؤید صحت نظر ما در رجحان قطعی ضبط کهن‌ترین نسخه و نسخه ۸۲۲ است: عاشق شوارنه روزی کار جهان سرآید / ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی.<sup>۹</sup>

به شواهد عیوضی می‌توان بیت دیگر خواجه را نیز افزود: عشق می‌ورزم و امید که این فن شریف / چون هنرهای دگر موجب حرمان نشود.

طرفه آنکه کهن‌ترین نسخه حافظ (نورعثمانیه) نیز مؤید نظر عیوضی است.

در غزل «ساقیا برخیز و در ده جام را»، بیت دوم: «ساغرمی بر کفم نه تا ز بر / بر کشم این دلق ازرق فام را» ضبط «ز بر» تنها از چاپ قزوینی نقل و مرجوح دانسته شده است، در حالی که عیوضی و خانلری و نیساری (و نیز نسخه کهن نورعثمانیه) نیز «ز بر» دارند. از ۳۴ نسخه قرن نهمی نیساری نیز تنها پنج نسخه «ز سر» دارد.

۹. حافظ برتر کدام است، ص ۵۳.

مزبور باشد. با این حال در مواردی این موضوع محقق نشده است. نگارنده تمام این موارد را که در کل دیوان با احتساب ضبط‌های جدید عیوضی و نیساری، به بیش از هزار مورد می‌رسد،<sup>۷</sup> به صورت جداگانه یادداشت کرده، ولی برای پرهیز از تطویل، اختصاراً به چند مورد (در ده غزل اول دیوان) می‌پردازد:<sup>۸</sup>

غزل «الا یا ایها الساقی»، بیت ششم (...نهان کی ماند آن رازی کزو سازند محفلها) چاپ‌های جلالی / وصال (جلان)، عیوضی (ع)، خانلری (خا) و نیساری (نی) به جای «کزو» سازند محفلها، «کزان» سازند محفلها دارد که از کتاب افتاده است.

در غزل «به ملازمان سلطان که رساند این دعا را»، بیت پنجم، ضبط سایه «به پیام آشنایی بنوازد آشنا را» است که روایت نشده. دیگران، «به پیام آشنایان» دارند

در همین غزل «که دعای صبحگاهی اثری کند شما را» تنها از قزوینی نقل شده، در صورتی که خا، نی، ع نیز همین گونه‌اند.

در غزل «اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را»، بیت دوم در خانلری «کنار آب رکناباد و گلکشت مصلا را» است که در متن نیامده است. (دیگر تصحیح‌ها «گلگشت» دارند.)

در غزل «صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را» بیت چهارم: «به بند و دام نگیرند مرغ دانا را» تنها از قزوینی و مرجوح شمرده شده است. در حالی که ع، خا، نی هم «به بند و دام» دارند و تنها سا و جلان «دام و دانه» دارد. طرفه آنکه از ۳۵ نسخه قرن نهمی (۳۴ نسخه نیساری به اضافه نسخه نورعثمانیه) تنها دو نسخه با سایه و جلالی موافق است و با وجود زیبایی این ضبط، باید با آن با احتیاط برخورد کرد؛ چون بعید است ۳۵ کاتب برای آوردن یک ضبط دشوار و دورتر تبانی کرده باشند!

در غزل «صوفی بیا که آینه صاف‌یست جام را» بیت پنجم: «...ای دل شباب رفت و نچیدی گلی ز عیش» عیوضی «ز عشق» ضبط کرده که ذکر نشده. هم‌درباره دلایل برتری این ضبط نوشته است:

۷. کار دشوار مقابله متن قزوینی. غنی با شش نسخه بدیل / مشورتی و ثبت اختلاف‌ها در حاشیه صفحات، برعهده سرکار خانم طاهره خرمشاهی بوده است که با دقت و وسواس شایان تحسینی، در مدت یکسال، آن را انجام داده‌اند. (ص نوزده مقدمه کتاب) با عنایت به این نکته باید بانیان فاضل کتاب را از این هفتاد میرا دانست. نیز توضیح این نکته ضرور است که اگر ضبط‌های جدید عیوضی و نیساری را از این مجموعه کم کنیم، موارد فوق‌الذکر به مراتب کمتر و رقمی ناچیز در کل دیوان و نسبت به حجم عظیم نسخه‌بدل‌های مؤوی می‌گردد.

۸. طبعاً در این بخش به اختلافات متعدد چاپ عیوضی و بعضی اختلافات چاپ نیساری با کتاب حاضر نمی‌پردازیم و فقط همان مواردی ذکر می‌شود که در نسخ شش‌گانه مشورتی این بزرگواران به همان صورت بوده و از دیدشان پنهان مانده است.

جاوید و خرمشاهی در پانویس در ترجیح «سر» نوشته‌اند:

حافظ همه جا خرقه را چون جلو بسته است، از سر برمی‌کشد: خرقه از سر به در آورد و به شکرانه بسوخت. در سماع آی و ز سر خرقه برانداز و برقص / ورنه با گوشه رو و خرقه ما در سر گیر. (ص ۱۲ کتاب)

عیوضی در پاسخ به همین مطلب چنین نگاشته است:

درین بیت سخنی از خرقه در میان نیست، بلکه دلّی است. «از برکشیدن» مقابل «برتن کردن» است و سخن از چگونه در آوردن دلّی نیست، بلکه منظور کنارگذاشتن و ترک آن است. فعل نیز «برکشیدن» است نه «در آوردن». ضبط صحیح همان ضبط پنج نسخه کهن تراست و سخن آخر اینکه حافظ می‌فرماید: «صوفی بیا که جامه سالوس برکشیم...»<sup>۱۰</sup>

از اینها گذشته، گویا حافظ با آوردن «ز بر» به تکرار سه باره این کلمه در سه حالت دستوری مختلف در یک بیت نظر داشته. (برکفم نه، تا ز بر، برکشم)

غزل «دوش از مسجد سوی میخانه آمد پیر ما»، بیت دوم: «ما مریدان روی سوی قبله چون آریم چون» بدون هیچ نسخه بدلی دانسته شده است، در حالی که چهار نسخه مشورتی ایشان (ع، خا، سا، نی) «روی سوی کعبه» دارند.

#### غزل‌هایی که دیده نشده‌اند

در نسخ شش‌گانه مشورتی گاه غزل‌هایی موجود است که در این کتاب دیده نشده و تصور شده که در متون مزبور نیامده است. این قبیل غزل‌ها در سه دسته قابل تقسیم بندی است:

#### ۱. بعضی غزل‌ها که در نسخ مزبور وجود داشته و گویا به دلایل مختلفی از جمله به هم ریختگی الفبایی از دید بانین کتاب پنهان مانده است.

علت هم سنت نامبارکی است که بعضی معاصرین در تبویب بعضی دواوین، به ویژه دیوان حافظ بنیان نهادند: اینان غزل‌ها را یک مرتبه بر اساس قافیه مرتب نموده و در مرتبه بعد حروف آغازین مصراع اول غزل را ملاک قرار دادند (حافظ انجوی نیز چنین است و این روش در همان زمان نیز مورد انتقاد واقع شده است). این کار هیچ حسنی ندارد و معایبی دارد که در اینجا شاهدش هستیم. چون در چاپ جلالی/نورانی نیز بر این اساس عمل شده، بعضی غزل‌هایی که در مطلع متفاوت بوده‌اند از چشم پژوهندگان فعلی دور مانده است.

مثلاً در ص ۱۲۳، ذیلی غزل «واهیست راه عشق که هیچش کناره نیست» نوشته‌اند: «جلان: این غزل را ندارد»، در حالی که این غزل در ص ۹۳ چاپ مزبور آمده و گویا به این دلیل آن را نیافته‌اند که در آنجا مطلع غزل «بحریست بحر عشق...» بوده و احتمالاً ایشان در ردیف «ر» قافیه «ت» به دنبال غزل می‌گشته‌اند.

در ص ۴۲، ذیلی غزل «ما را ز خیال توچه پروای شراب است» نوشته‌اند: «جلان: این غزل را ندارد»، در صورتی که این غزل در چاپ مزبور در ص ۱۶۹ آمده است.

#### ۲. غزل‌هایی که نبودنش در نسخ شش‌گانه ذکر نشده است.

در مواردی نیز عکس حالت پیشین رخ داده است. غزل «برو به کار خود ای زاهد این چه فریاد است» که

۱۰. حافظ پرتو کدام است، ص ۵۲. به طور کلی عیوضی در مواضع متعدد از کتاب مزبور به ایرادات جاوید/خرمشاهی در کتاب حاضر پاسخ گفته که در این کتاب نادیده گرفته شده است.



از سلمان ساوجي است و به غلط به ديوان حافظ راه يافته و به درستي در چاپ نيساري نيامده، در صورتي كه در اين كتاب اشاره اي به عدم وجودش در نيساري نيست. به همين صورت است غزل «المنته لله كه در مي كده باز است» (كه از حيدر بقال شيرازي است و انتسابش به حافظ منتفي) و در نيساري در جزء غزل هاي الحاقى آمده و مصححان به اين نكته نيز اشاره نكرده اند.

### ۳. غزل هاي الحاقى

مواردى كه در يكي از نسخ مشورتى شش گانه در جزو الحاقى ها آورده شده، در اين كتاب به عنوان محذوف تلقى شده است، در حالى كه بهتر بود در پانويس ذكر مى شد كه فلان غزل در فلان تصحيح در بخش الحاقيات آورده شده است، نه اينكه نوشته شود: «فلان تصحيح اين غزل را ندارد». موارد شبيهه به اين هم در كتاب فراوان است كه از جمله مى توان به غزل «دارم اميد عاطفتى از جناب دوست» اشاره كرد كه نوشته اند: «نى اين غزل را ندارد»، در حالى كه در ديوان مصحح نيساري در ص ۴۶۹ جزء «پيوست هاي غزل ها» آمده است. چنين است غزل هاي ذيل:

«حال دل با تو گفتنم هوس است» كه در نيساري در ص ۴۶۷ جزو الحاقيات آمده است.

«روزه يكسو شد و عيد آمد و دلها برخاست» كه در ص ۶۱۰ بخش غزل هاي مشكوك چاپ سايه آمده است.

«خواب آن نرگس فتان تويي چيزي نيست» در ص ۱۰۰۵ در بخش ملحقات چاپ خانلري آمده است. اين غزل در «عب» بوده و در تصحيح جديد عيوضي ديگر نيامده كه اين نكته هم از قلم افتاده است. شبيهه به همين مورد است غزل «جمالت آفتاب هر نظر باد» كه نيساري آن را نياورده و مصححان اشاره اي به اين فقدان نيز ننموده اند.

«خسروا گوي فلک در خم چوگان توباد» در بخش قطعات نسخ مشورتى آمده، (نى: ص ۵۴۹، جلان: ص ۷۲۱، ع: ص ۱۰۳۰، سا: ص ۵۹۸)، در حالى كه در اين كتاب به نبودنش در كتب مزبور حكم داده اند.

### ۴. غزل هايي كه در چاپ مورد استفاده مصححان نبوده و بعداً اضافه شده است.

همان طور كه گفته شد، براي روايت تصحيح نيساري، در اين كتاب به چاپ فرهنگستان (دفتر دگرساني ها در غزل حافظ) استناد شده كه تنها حاوي ۴۲۴ غزل است و به همين دليل بسياري از غزل هايي كه در چاپ كامل تر نيساري كه توسط انتشارات سخن انجام شده و آنجا موجود است اينجا ديده نشده است.

براي نمونه مى توان به اين غزل ها اشاره كرد كه نيساري با اينكه آنها را نهايتاً الحاقى ندانسته، ولي دگرساني هاي آن را در كتاب مزبور روايت نكرده:

«كتبْتُ قصة شوقى و مدمعى باكى» در چاپ نيساري در ص ۵۰۸ آمده است.

«ديدار شد ميسرو بوس و كنار هم» كه در نيساري در جزو قصايد (ص ۵۲۴) آمده است.

### عدم ذكر غزل هايي كه در نسخ شش گانه مشورتى هست و در قزويني نيست

در نسخ مشورتى مزبور تعدادى غزل و... هست كه در نسخه اساس ايشان (چاپ قزويني) نيامده، ولي در ديگر تصحيح ها هست. اگر بناست اين كتاب به گونه اي نوشته شده باشد كه مخاطب را از مراجعه به كتب مذكور بي نياز كند، حتماً بايد فهرست اشعار اين چنينى را نيز به دست دهد.

پيش از همه غزل «مژده اي دل كه مسيحا نفسى مى آيد» و «جانا تورا كه گفت كه احوال ما مپرس» و «صبح

چنینی است:

ص ۳۳۳: «چودست برسر زلفش ز نم به تاب رود» نقل شده که البته در اصل قزوینی چنین است، ولی همه نسخ خطی موجود از قرن نهم (به جز یک نسخه) و نیز نسخ شش گانه مشورتی ایشان «در سر» دارند، در حالی که ذکری از آن نشده است.

ص ۶۲۶: درباره «زهد ریا» نوشته اند: «در شرح یکی از غزلهای پیشین در کتاب حاضر» به آن پرداخته اند، ولی نشانی دقیق تری نداده اند.

### سخن پایانی

همان گونه که گفته شد، نگارنده همه موارد فوق را به صورت جداگانه یادداشت کرده و به دست استادان محترم خواهد رساند تا شاید در چاپ های بعدی مورد استفاده قرار گیرد. اگر این تغییرات در کتاب صورت بگیرد، می تواند به منبعی مطمئن برای کسانی تبدیل شود که می خواهند شرحی دقیق و یک کاسه از دیگرسانی های دیوان حافظ در معتبرترین تصحیح های آن داشته باشند که با هزینه کمتر (مادی و معنوی) همه این تغییرات را یکجا در اختیارشان قرار دهد. ایدون باد!

### کتابنامه

سعید لیان؛ «بررسی و نقد هفت تصحیح غزلیات حافظ»؛ مجله نامه فرهنگستان؛ پاییز ۱۳۹۱، شماره ۵۱، ص ۶۷ تا ۸۷.

حافظ برتر کدام است؟؛ رشید عیوضی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴.

دیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ؛ با تصحیح و تحقیق و مقدمه دکتر محمدرضا جلالی نایینی، دکتر نورانی وصال؛ انتشارات سخن و نشر نقره، ۱۳۷۲.

دفتر دگرسانی های حافظ؛ سلیم نیساری؛ دو جلد، تهران: فرهنگستان ادب فارسی، ۱۳۸۵.

دیوان حافظ، سلیم نیساری؛ چاپ دوم، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۷.

دیوان حافظ؛ به سعی سایه؛ چاپ پانزدهم، تهران: کارنامه، ۱۳۹۰.

دیوان حافظ، به تصحیح رشید عیوضی؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵.

دیوان حافظ؛ پرویز ناتل خانلری؛ دو جلد، چاپ سوم، تهران: خوارزمی، بی تا.

دیوان حافظ نسخه نورعثمانیه (کهن ترین نسخه شناخته شده کامل)؛ به کوشش بهروز ایمانی؛ تهران: میراث مکتوب و دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۹۴.

دیوان حافظ؛ به کوشش بهاء الدین خرمشاهی؛ هاشم جاوید، تهران: فرزانه، ۱۳۸۸.

مکتب حافظ؛ منوچهر مرتضوی؛ دو جلد، چاپ پنجم، تهران: توس، ۱۳۸۸.

دولت می دمدم کو جام همچون آفتاب» که جزء غزل های مسلم و زیبای حافظ است که به دلیل نبودن در نسخه خلخالی در چاپ قزوینی نیامده و تقریباً در همه دیگر تصحیح ها موجود است یا در چاپ جلالی و وصال هشت غزل هست که در قزوینی و به تبع آن در چاپ حاضر نیامده است.

دوست فاضل ما، جناب سعید لیان، در مقاله «بررسی و نقد هفت تصحیح غزلیات حافظ» به این مهم پرداخته و اضافات این چاپ ها را به دقت کاویده که می توان به آن مراجعه کرد.

### عدم ذکر دیگرسانی ها در بخش قصاید و قطعات و ...

یکی از کارهای بایسته در چاپ های بعدی ذکر اختلافات نسخ در بخش های مزبور (قصاید و قطعات و ...) با متن است. متأسفانه در چاپ فعلی تنها به غزلیات پرداخته شده و اختلافات دیگر بخش ها با نسخ شش گانه مشورتی ذکر نشده و همگی آنها مستقیماً تنها از چاپ قزوینی روایت شده است. نکته ضروری دیگر برای این کتاب، ایجاد جدولی است که ترتیب ابیات را در نسخ مشورتی نشان دهد تا از این جهت نیز مخاطب تصویر دقیق تری از نسخ مزبور بیابد.

### اشتباهات چاپی و ... در روایت نسخه ها

چاپ کتابی با حداقل اشتباهات چاپی آرزوی هر نویسنده ای است. این کتاب نیز چنین است و به دلیل حساسیت موضوع باید هم این گونه باشد. با این حال گاهی در روایت برخی نسخ سهویاتی رخ داده که امید است مرتفع شود. ص ۱۷۲: «... بس طرفه حریفست کش اکنون به سرافتاد» ضبط شده، در حالی که در هیچ یک از نسخ این گونه نیست و «حریفی ست» صورت صحیح است.

ص ۴۲۶: «مجمع خوبی و لطفست عذار چو مهش» گفته اند که «نی: رخ همچون مهش». کاری به این ندارم که نیساری در چاپ های بعد مطابق متن ضبط کرده است، ولی صورتی که ذکر کرده اند اختلال وزنی دارد و احتمالاً «رخ همچو مهش» ضبط نیساری بوده است.

ص ۷۲۲: در پانویس مصراع «شیرین تر از آنی به شکر خنده که گویم»، نسخه بدل «به شکر خنده چه گویم» را ذکر کرده اند، ولی ن نوشته اند کدام چاپ حاوی این نسخ بدل بوده است.

دو مورد زیر نیز اشتباه چاپی نیست، ولی نوعی از سهویات این